

دکتر پری فیلیپس، میکاه، پیامبر خارج از کمربندی، جلسه ۴، میکاه ۳

پری فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

دکتر الین و پری فیلیپس هستند و آموزه‌هایشان در مورد کتاب میکاه، پیامبری خارج از کمربندی. این جلسه میکاه ۳ است، ۴.

دوباره سلام، پری فیلیپس، من برای فصل سوم برگشتم.

موضوع، مقدمه‌ای بر میکاه، پیامبری فراتر از جاده کمربندی. این مطالعه‌ای است بر جنبه‌های مختلف میکاه، از نظر شرعی، جغرافیایی، تاریخی، الهیاتی و ادبی، و ما به سمت فصل سوم می‌رویم. ابتدا، مروری کوتاه برای مرور جامع آنچه تا به حال انجام داده‌ایم.

از شما دعوت می‌کنیم نگاهی به مقدمه و فصل‌های اول و دوم بیندازید، جایی که جزئیات بیشتری در مورد جغرافیا، توپوگرافی و غیره به دست می‌آوریم. اما در یک محیط تاریخی و جغرافیایی، فصل اول به مناقشه مربوط به عهد می‌پردازد. این اتهامی است که خداوند به عنوان دادستان، قاضی، و من باید شاهد نیز اضافه کنم، علیه اسرائیل و یعقوب به دلیل شکستن عهد مطرح می‌کند.

سپس، در فصل دوم، گناهان رهبران، عمدتاً ظلم، و گناهان پیامبران، که همان دروغ است، مورد بحث قرار می‌گیرد. و این موضوع در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد. خوب، در اینجا مقدمه‌ای بر فصل سوم آمده است.

این ساختار کیاستیک دارد. منظور ما از آن این است: ساختاری شاعرانه که بر مطالب مورد بحث تأکید می‌کند.

در این مورد خاص، کاری که می‌توانیم انجام دهیم این است که این فصل را به سه بخش تقسیم کنیم. آیات یک تا چهار به حاکمان، رهبران و سران می‌پردازد. میکاه از زبان سران صحبت می‌کند.

منظورم سران کشورهاست. و سپس بخش دوم از سه‌گانه، اگر بتوان آن را چنین نامید، آیات پنج تا هشت، به پیامبران می‌پردازد. و این خداوند است که سخن می‌گوید.

و در نهایت، آیات نه تا دوازده، به فرمانروایان برمی‌گردیم، و میکاه دوباره صحبت می‌کند. پس می‌گوییم میکاه، خداوند، میکاه. و منظور ما از ساختار کیاستیک همین است، دقیقاً به همان شکلی که با برخی تشبیهات کنار هم قرار گرفته است.

و سپس به طرح چهار آیه، چهار آیه، چهار آیه توجه می‌کنیم. تقریباً به اندازه کافی نزدیک به هم. اختلاف یا پیشگویی داوری، که دیدیم در فصل اول آغاز شد.

این اختلافی است که خداوند علیه مردم دارد زیرا آنها عهد را می‌شکنند. و این از آر.بی.وای. اسکات در اثرش، ارتباط پیامبران»، آمده است. این صفحه ۱۰۹ است.»

و من دارم حرف‌های او را نقل می‌کنم. چیزی که اینجا در فصل سوم، آیه اول می‌یابیم، احضار متهم است. به عبارت دیگر، شما الان توسط دادگاه احضار شده‌اید تا بیایید و پرونده‌تان را ارائه دهید.

بنابراین، در آیه اول، ما سران یعقوب و حاکمان خاندان اسرائیل را داریم. این احضاریه است. در آیه دوم، کیفرخواست را داریم.

شما که از خوبی متنفرید و بدی را دوست دارید، به همین متهم هستید. و الین قبلاً در اشعیا ۵:۲۰ اشاره کرده بود: وای بر شما که دروغ را جایگزین حقیقت و حقیقت را جایگزین دروغ می‌کنید. این همان چیزی است که اینجا اتفاق می‌افتد.

سپس، حلقه اتصال به داوری الهی در آیه ۱۲، قسمت اول آیه ۱۲ است. بنابراین، به خاطر شما، این چیزی است که قرار است اتفاق بیفتد. حال، حکم قاضی، که قسمت دوم آیه ۱۲ است، که آخرین آیه در این فصل خاص است، صهیون، به عنوان یک مزرعه شخم زده خواهد شد.

خب، بیایید دوباره به آن نگاه کنیم. احضاریه برای متهم وجود دارد. به عبارت دیگر، همین الان اینجا جلوی من حاضر شوید.

این کیفرخواست است. شما همه چیز را وارونه جلوه داده‌اید. شما حقیقت را باطل و باطل را حقیقت می‌نامید.

حال، در نتیجه‌ی آن، داوری رخ خواهد داد، و این در انتهای فصل در بخش اول آیه ۱۲ آمده است. و سپس، در نهایت، این چیزی است که حکم قرار است باشد. صهیون مانند یک مزرعه شخم زده خواهد شد.

به عبارت دیگر، صهیون، شهر اورشلیم، نابود خواهد شد. خب، بیایید اکنون با ورود به جزئیات ساختار ۴-۴- شرحی از فصل ۳ ارائه دهیم. آیات ۱ تا ۴، محکومیت حاکمان، ۴-۴-

آیه ۱، و من برای این فصل خاص از کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی استفاده می‌کنم. و گفتم، و اینجا ما داریم درباره میکاه صحبت می‌کنیم، حالا اینجا سران یعقوب و حاکمان خاندان اسرائیل، آیا بر شما نیست که عدالت را بشناسید؟ این آشکارا یک سوال بلاغی است. البته، آنها باید بدانند عدالت چیست.

این به صورت بلاغی پرسیده می‌شود. و شما در بالای این اسلاید خاص متوجه خواهید شد که من یادداشتهایی دارم، یکی بیش از سه. و منظورم این است که من سه بخش برای این یادداشت دارم، و این بخش اول است.

و می‌توانید عدد مخرج را ببینید، بنابراین می‌توانید بفهمید که من چقدر برای این توضیح خاص طولانی خواهم بود. اما به هر حال، این اولین بخش از تحلیل این فصل خاص است. و من گفتم، در آیات ۱ تا ۴، اینها از قلب میکاه می‌آیند، زیرا او می‌گوید، قوم من در جای دیگر.

خداوند در آیه ۵ فرمود که این شبیه به ارمیا است، جایی که سخنان ارمیا با سخنان خداوند ادغام می‌شود، الین قبلاً در مورد آن بحث کرده بود. سخنان خداوند و سخنان پیامبر، که ما از خواندن پطرس می‌دانیم، توسط روح القدس هدایت می‌شوند.

بنابراین، وقتی پیامبر با خداوند روح القدس صحبت می‌کند، در جایگاه خداوند صحبت می‌کند. بنابراین، کلام خداوند و کلام پیامبر به دلیل الهام، یکی هستند. و سپس می‌بینیم، همانطور که در فصل ۲، آیه ۱۲ دیدیم، استفاده از یعقوب و اسرائیل در این مورد خاص شامل پادشاهی‌های شمالی و جنوبی می‌شود.

و در نهایت، رهبران، رؤسا و حاکمان نامیده می‌شوند. مورد اول می‌تواند شامل قضات نیز باشد، به این معنی که نظام حقوقی به اندازه طبقه حاکم فاسد بوده است. و ما این را خواهیم دید زیرا در خواهیم یافت که عدالت توسط رهبران منحرف شده است، mishpat عدالت، به زبان عبری.

و بنابراین، چیزی که ما می‌بینیم واقعاً فساد در کل سیستم است. پیامبران فاسد بوده‌اند. ما این را دیده‌ایم. رهبران و رهبران سیاسی فاسد هستند.

همانطور که می‌بینیم، کاهنان فاسد هستند. و تمام نهادهایی که جامعه را تشکیل می‌دهند فاسد شده‌اند. و نتیجه این شده است که آنها از تورات دور شده‌اند.

آنها از خداوند روی برگردانده‌اند و به بت‌هایی روی آورده‌اند که هیچ سودی ندارند. همچنین، هیچ عدالتی وجود ندارد. رهبران، همانطور که در سوال بلاغی گفته شد، آیا نباید عدالت را بشناسید؟ این همان اختلاف سلیقه‌ای است که من در موردش صحبت می‌کردم.

در واقع، این امر چیزی بیش از دانش شناختی را در بر می‌گیرد. همانطور که یکی از مفسران، لیندبلوم، گفته است، این مجموع چیزهایی است که به دلیل عهد و پیمان بر عهده مردم است. به عبارت دیگر، عدالت، چیزی است که در کل ساختار اجتماعی و الهیاتی جامعه نفوذ دارد.

و عدالت، به چه معناست؟ حس انصاف، برابری در اداره دولت و در دادگاه‌ها. همه مردم باید در برابر قانون یکسان دیده شوند. اما این چیزی نیست که اتفاق می‌افتد، همانطور که الین هنگام بحث در فصل قبل اشاره کرد.

نه، کسانی هستند که قدرت دارند اموال دیگران را به ناحق تصاحب کنند، و این بخشی از چیزی است که قرار است مورد قضاوت قرار گیرد. و سپس چیزی که ما متوجه می‌شویم این است که نگهبانان عدالت کسانی که واقعاً باید اطمینان حاصل کنند که عدالت طبق قانون برقرار است، اینها کسانی هستند که به همدستان و شرکت کنندگان در جرم تبدیل می‌شوند، به خصوص با بارون‌های زمین طرف می‌شوند، که دوباره قبلاً توسط الین ذکر شد. در زمان عزیا، شما در رفاه ملت و رفاه پادشاهی جنوبی گسترش زیادی داشتید و ظاهراً این امر منجر به گسترش غیرقانونی مرزها شد.

در ادامه، نمونه‌ای از آن را خواهیم دید. خب، عدالت چگونه باید برقرار شود؟ ما ارمیا، پیامبر بعدی، را داریم که قبل از آمدن بابلی‌ها و نابودی اورشلیم، نبوت می‌کند. او نیز به بی‌عدالتی‌هایی که در اورشلیم اتفاق می‌افتد علاقه‌مند است. و این چیزی است که در ارمیا ۲۲، آیه ۱۶ می‌خوانیم.

او، یوشیای پادشاه، به داد فقرا و نیازمندان رسید، آنگاه همه چیز خوب شد. آیا این نیست که مرا بشناسی، خداوند می‌گوید؟ و این شیوه‌ای است که رهبران باید رفتار کنند.

و سپس همین مطلب را در عهد جدید در یعقوب، فصل ۲، می‌بینیم، جایی که یعقوب می‌گوید عشق ما به خداوند واقعاً در عشقی که به دیگران داریم و نحوه مراقبت از دیگران ابراز می‌شود، نه با سوءاستفاده از آنها. به آیه ۲ می‌رسیم. خب، سوال بلاغی این است که آیا نباید عدالت را بشناسید؟ و البته پاسخ مثبت است، اما آنها نمی‌دانند. ما این را در آیه ۲ می‌بینیم، جایی که موارد زیر را می‌خوانیم: شما که از خوبی متنفرید. و بدی را دوست دارید، که پوست آنها را از آنها و گوشت آنها را از استخوان‌هایشان جدا می‌کنید.

وای، این اتهامی کاملاً جدی است که علیه رهبران زده می‌شود. معنی آن چیست؟ شما که از خوبی متنفرید و بدی را دوست دارید، نه اینکه، همانطور که در عاموس فصل ۵، آیه ۱۵ می‌بینیم، خداوند از طریق عاموس

به مردم چه می‌گوید؟ از بدی متنفر باشید، خوبی را دوست داشته باشید، عدالت را در دادگاه برقرار کنید و اکنون دقیقاً برعکس این اتفاق در اورشلیم می‌افتد.

اشعیا فصل ۱، اینها آیات هستند، بخش آخر فصل ۱۶ و آیه ۱۷، از بدی دست بردارید، نیکی کردن را بیاموزید، عدالت را بجوید، ظالم را سرزنش کنید، از یتیم دفاع کنید. دقیقاً همان کاری را که الین گفت باید انجام می‌دادند، انجام نمی‌دهند. و این در فصل ۳ نیز آمده است.

در نهایت، از بیوه زن دفاع کنید. اینها افرادی هستند که نتوانستند از خود دفاع کنند. دوباره تکرار می‌کنم: رهبران، به جای اینکه برای این افراد خاص بد رفتاری کنند، کسانی هستند که از آنها برای منافع خود سوءاستفاده می‌کنند.

این موضوع، مضمون فصل ۲، آیات ۸ و ۹ را به شکلی بسیار واضح بیان می‌کند. به تشبیه آن با یک گوشتخوار وحشی توجه کنید. گوشتخواران چه می‌کنند؟ آنها طعمه را می‌گیرند، آن را تکه تکه می‌کنند و استخوان‌ها را می‌جوند.

این زبان گویای رفتار رقت‌انگیزی است که حاکمان با مردم نشان می‌دهند. رهبران باید سگ‌های نگهبان باشند، اما آنها به حیوانات درنده‌ی گرسنه تبدیل شده‌اند. به جای اینکه سگ نگهبان باشند، به سگ تبدیل شده‌اند، مانند سگ‌های وحشی که اساساً به طعمه حمله می‌کنند و سپس آن را تکه تکه می‌کنند.

این می‌تواند همان چیزی باشد که می‌کاه به آن اشاره می‌کند، یا ممکن است می‌کاه به آدم‌خواری‌ای اشاره داشته باشد که قرار است هنگام محاصره اورشلیم رخ دهد. البته این در مورد محاصره آشوریان صدق نمی‌کرد، زیرا آنها هرگز نتوانستند وارد دروازه‌های اورشلیم شوند. اما در محاصره بابلی‌ها، آدم‌خواری زیادی در جریان بود.

و بنابراین، تکه تکه کردن، پاره کردن گوشت و غیره، فکر کردن به آن وحشتناک است، اما ممکن است افرادی باشند که به دیگران در شهر حمله می‌کنند زیرا آنقدر گرسنه هستند، آنقدر غذا ندارند که به آدم‌خواری متوسل می‌شوند. این عبارت، ایده آدم‌خواری، در دوم پادشاهان، فصل ۶ نیز ظاهر می‌شود زمانی که حمله‌ای از شمال صورت می‌گیرد و شهر سامره در طبل محکم‌تر قفل می‌شود و بحثی بین دو زن وجود دارد که از فرزندانشان برای غذا استفاده می‌کردند. و این را می‌توانید خودتان بخوانید.

باز هم، دوم پادشاهان، فصل ۶. می‌کاه ممکن است رهبرانی را که با مردم بد رفتاری می‌کنند به آدم‌خواران تشبیه کند. آنها به معنای واقعی کلمه آدم‌خواری نمی‌کنند، اما عدالتی را که واقعاً متعلق به مردم است، از بین می‌برند. استفاده از کلمه «اشک» در غزل عبری آمده است.

و کلمه‌ای که در می‌کاه ۲، فصل ۲، آیه ۲ برای از بین بردن مزارع، برای طمع ورزیدن به مزارع و از بین بردن آنها استفاده شده است، جالب اینجاست که همین کلمه است. بنابراین، این به ظلم و ستم اجتماعی فاحش و گرفتن، گرفتن زمین، گرفتن ارث از بیوه‌ها و یتیمان مربوط می‌شود. و ما شاهد بازگشت کهنه سربازان جنگ هستیم.

خب، جنگ است. افرادی هستند که در جنگ کشته شده‌اند و دیگر بر نمی‌گردن. و خب، زن چه کار خواهد کرد؟ بچه‌ها چه کار خواهند کرد؟ خب، یکی از اربابان زمین ممکن است بیاید و چند پنی بابت زمینشان به آنها بدهد، اما آنها باید این معامله را بپذیرند، در غیر این صورت فقط از گرسنگی خواهند مرد. کتاب جامعه هم از کلمه غزال استفاده می‌کند.

غزال فقرا را در میشپات دیدید، خب، او ادامه می‌دهد، خیلی تعجب نکنید زیرا در برخی از نقاط جهان، اوضاع همین است. و در نهایت، اشعیا فصل ۶۱، خدا میشپات را دوست دارد، اما از غزال متنفر است. بنابراین، فقط میگاه نیست که از این موضوع ناراحت می‌شود.

البته خود خداوند هم از این موضوع ناراحت است. خلاصه، و من فقط دارم آنچه را که قبلاً گفته‌ام، خلاصه می‌کنم، قرار بود رهبران میشپات را اجرا کنند، اما آنها غزال را اجرا می‌کنند. آیه سوم، دوباره رهبران، شما که گوشت قوم مرا می‌خورید، پوستشان را از آنها جدا می‌کنید، استخوان‌هایشان را می‌شکنید و آنها را مانند گوشت دیگ و مانند گوشت در دیگ خرد می‌کنید.

خب، کلمه قبلی در مورد کندن گوشت صحبت می‌کرد. و این یکی حالا می‌گوید که شما در واقع آنها را می‌پزید، گوشتشان را می‌خورید. این اساساً یک اصطلاح رایج برای ظلم و ستم است.

بنابراین ظاهراً، این یک روش واضح برای بیان این است که ظلمی بسیار بسیار فاحش در حال وقوع است. ما این را در بخش‌های دیگر کتاب مقدس می‌بینیم. مزمور ۱۴، آیه چهارم: آیا همه شیران نمی‌دانند که قوم مرا می‌خورند، چنانکه نان می‌خورند؟ خب، آنها این کار را به معنای واقعی کلمه انجام نمی‌دهند.

این فقط به این معنی است که ظلم و ستم فاحشی در حال وقوع است. شما آن را در مزامیر نیز می‌یابید. مزمور ۲۷، آیه دوم: هنگامی که بدکاران برای خوردن گوشت من، یعنی دشمنان و خصمان من، به من نزدیک می‌شوند، می‌غزند و می‌افتند.

به عبارت دیگر، آنها دارند به من ظلم می‌کنند. آنها آماده‌اند تا مانند حیوانات، مانند گوشتخواران، بر من هجوم آورند. امثال، فصل 30، آیه 14، می‌گوید که نوعی از انسان وجود دارد که دندان‌هایش مانند شمشیر و دندان‌های فکش مانند چاقو است تا رنج‌دیدگان را از زمین و نیازمندان را از میان آدمیان ببلعد.

شما می‌دانید که زبانی که میگاه اکنون به کار می‌برد، اتهامی بسیار جدی علیه رهبرانی است که این گرگ‌های درنده هستند که آماده‌اند هر کسی را که سر راهشان قرار می‌گیرد، ببلعند و اموالشان را تصاحب کنند و به جای میشپات، مرتکب غزال شوند. و در نهایت، پوست را بکنند، بشکنند و استخوان‌ها را خرد کنند. این نشان دهنده خشونت است که با آن ظلم و ستم صورت می‌گیرد.

آیه چهارم، این پایان بخش اول ساختار باستانی است. سپس آنها، یعنی رهبران، نزد خداوند فریاد خواهند زد، اما او به آنها پاسخی نخواهد داد. در عوض، او در آن زمان روی خود را از آنها خواهد پوشاند زیرا آنها اعمال شیطانی انجام داده‌اند.

می‌بینی، این داره برمی‌گردد به همون قانون پایاپای که الین داشت در موردش حرف می‌زد. تو اینجوری رفتار می‌کنی؟ اوه، آره، وقتی کسی حواسش بهت نبود، وقتی کسی بهت حمله نمی‌کرد، وقتی کسی بهت ظلم نمی‌کرد، خوب بودی، اما حالا داری توسط آشوری‌هایی که دارن میان سرکوب میشی، و حالا داری منو صدا می‌زنی. اه، این دیگه فایده‌ای نداره.

من با تو به همان شیوه‌ای رفتار خواهم کرد که تو با مردمی که سرکوبشان می‌کردی، رفتار می‌کنی. یکی از دوستان خوبم می‌گوید: «در برابر اندازه، قانون قصاص، اگر در سخنرانی‌ات کمی یونانی یا لاتین به کار نبری، هیچ‌کس فکر نمی‌کند که باهوش هستی.» خب، این هم بخش لاتینش.

آیا شما فریاد مردم را نمی‌شنوید، پس خداوند نیز فریاد شما را نخواهد شنید؟ (به جای آن، از کسی تقلید کنید.) بنابراین، این یک ساختار قوی عبری است که تأکید می‌کند چه اتفاقی می‌افتد زیرا، یا مطابق با، یا به

طور خاص به همین دلیل، از آنجایی که شما به دیگران ظلم کرده‌اید، وقتی آنها برای رحمت به شما فریاد زدند، فریادهای آنها را نشنیدید.

حالا من به حرف تو گوش نمی‌دهم. تو دقیقاً همان رنجی را خواهی کشید که آنها متحمل شده‌اند. و سپس خداوند به دلیل نافرمانی از عهد، روی خود را پنهان خواهد کرد.

تو عهد و پیمان را می‌شکنی، از من انتظار نداشته باش که مفید باشم. و جالب است که فعل «رویش را پنهان کن» به این معنی است که تو قرار نیست ببینی که من به هیچ وجه با تو خوب رفتار کنم. من از تو پنهان خواهم شد.

ایده پنهان کردن چهره‌اش در واقع در عهد تثنیه آشکار می‌شود؛ همین اصطلاح استفاده شده است. می‌توانید ببینید که چگونه میکاه و دیگر پیامبران، که مجریان عهد هستند، زبان موسی را می‌گیرند و سپس آن را در زمان خاص خود نیز به کار می‌برند. در تثنیه ۳۱، آیه ۱۷، اگر مردم نافرمانی کنند، خداوند چنین می‌گوید: خشم من در آن روز بر آنها افروخته خواهد شد.

من آنها را ترک خواهم کرد و رویم را از آنها خواهم پوشانم. بنابراین، ایده پنهان کردن صورت به معنای ترک آنهاست. من این را با آنها تجربه کرده‌ام.

ما دوباره آن را در فصل ۳۲ تثنیه می‌بینیم. اما من مطمئناً در آن روز، که نافرمانی است، به دلیل تمام شرارتی که آنها مرتکب خواهند شد، روی خود را خواهم پوشانم، زیرا آنها به خدایان دیگر روی خواهند آورد. و این دقیقاً همان چیزی است که اکنون در زمان میکاه اتفاق می‌افتد.

آنها به خدایان دیگر روی آورده‌اند، خدا آنها را سرزنش کرده است، و اکنون او می‌خواهد روی خود را از آنها برگرداند. او می‌خواهد آنها را طرد کند. از اشعیا، معاصر میکاه، در همان فصل اول، هنگامی که داستان خود را به دعا دراز می‌کنید، ای خداوند، ما را نجات ده.

و او چه می‌گوید؟ چشمانم را خواهم پوشانم، عبارتی مشابه با «رویم را از شما خواهم پوشانم.» «بله، حتی اگر دعاهایتان را زیاد کنید، من اجابت نخواهم کرد. دستانتان به خون آغشته است».

و به یاد داشته باشید، اشعیا و میکاه معاصر بودند. بنابراین، بیایید نگاهی به اصل کلی اینجا بیندازیم. مزمو ۳۴، آیه ۱۶، روی خداوند علیه بدکاران است تا یاد آنها را از زمین قطع کند، ۱۶، ۳۴.

و او قطعاً این کار را با بسیاری از افرادی که میکاه درباره آنها صحبت می‌کند، انجام داد. امثال، فصل ۲۱، آیه ۱۳، می‌گوید کسی که گوش خود را از فریاد فقیر می‌بندد، کاری که قطعاً رهبران میکاه انجام می‌دادند خودش نیز فریاد خواهد زد و کسی به او پاسخ نخواهد داد. تو به آنها گوش نمی‌دهی، من به تو گوش نمی‌دهم.

از سوی دیگر، امید اینجاست. وقتی مزمورنویس، مزمو ۱۰۲، می‌گوید: «در روز تنگی‌ام روی خود را از من می‌پوشان، در روزی که مرا می‌خوانم به من گوش فرا ده و به سرعت مرا اجابت کن.» احتمالاً مزمورنویس گوش‌های خود را نبسته و روی خود را از کسانی که در تنگی بودند نپوشانده است.

زیرا خداوند عادل است، او عدالت را دوست دارد، صالحان روی او را خواهند دید. این مزمو ۱۱ است بنابراین، می‌بینید که چگونه پنهان کردن روی، نگریستن به روی، ظهور روی خدا، ما می‌بینیم که چگونه از آن استفاده می‌شود.

و در نهایت، در مزمور ۱۰۵، خداوند و قدرت او را بجوید، پیوسته روی او را بجوید. به عبارت دیگر، به دنبال کمک او باشید و این کار را با کمک به دیگران انجام دهید. اکنون به بخش دوم ساختار کیاستیک خود می‌رسیم.

این آیات ۵ تا ۸ است. اینها پیامبران دروغین در مقابل پیامبر حقیقی می‌کاه هستند. و اینجاست که خود خداوند شروع به صحبت می‌کند. خداوند درباره پیامبرانی که قوم مرا گمراه می‌کنند چنین می‌گوید

،وقتی چیزی برای خوردن دارند، فریاد صلح سر می‌دهند، اما علیه کسی که چیزی در دهانشان نمی‌گذارد، اعلام جنگ می‌کنند. این به چیزی برمی‌گردد که الین در فصل ۲ گفت، و آن این است که اینها پیامبرانی هستند که چکه می‌کنند. اگر به اندازه کافی به آنها پول بدهی، چکه می‌کنند. آنها چیزهای خوبی برای تو پیشگویی خواهند کرد.

اینها اساساً مثل پیشگوها هستند. اگر به آنها پول کافی بدهی، حرف‌های خوبی می‌زنند. اما اگر به اندازه کافی به آنها پول ندهی، برایت پیشگویی بدی می‌کنند.

و به نظر می‌رسد که تبانی بین پیامبران و رهبران، باعث می‌شود مطمئن باشید که مردم آنچه را که پیامبران اعلام می‌کنند، دریافت خواهند کرد، زیرا آنها به اندازه کافی به آنها پول نمی‌دهند. این نوعی از یک مجموعه حکومتی پیامبر است که ما در اینجا در مورد آن صحبت می‌کنیم. حال، همانطور که قبلاً اشاره کردم، به تفاوت بین، و من گفتم، توجه کنید، خداوند چنین می‌گوید

شما اینجا آن اختلاطی را که الین در موردش صحبت می‌کرد می‌بینید، جایی که سخنان پیامبر، سخنان خود پیامبر است و برعکس. پیامبران دروغین اساساً تبدیل به پیشگویانی شدند که وقتی پول خوبی می‌گرفتند، خوبی و وقتی پول بدی می‌گرفتند، بدی را پیشگویی می‌کردند. این اتفاق در زمان ارمیا نیز افتاد.

ارمیا دستانش پر از پیامبران دروغین بود، و می‌کاه با پیامبران دروغینی روبرو بود که برای کسانی که به آنها پول می‌دادند، نبوت می‌کردند. و همانطور که قبلاً اشاره کردم، در آنچه الین اشاره کرد، به همین نکته توجه کنید، این اتفاق در زمان الیاس نیز رخ داد. و بنابراین، سابقه طولانی پیشگویی دروغین در اسرائیل وجود دارد.

در بخشی که اینجا از اول پادشاهان، فصل ۱۷ و سپس ۲۲ دارم، درباره پیامبران دروغینی می‌خوانیم که در برابر الیاس ایستادند. این قیام برای پیامبران دروغین با قربانی‌هایی که در کوه کرم‌ل انجام شد، پایان خوشی نداشت. و تثنیه ۱۳ و ۱۸ دستورالعمل‌هایی در مورد چگونگی تشخیص تفاوت بین یک پیامبر واقعی و یک پیامبر دروغین دارد، و این به این مربوط می‌شود که آیا پیشگویی‌ها به حقیقت می‌پیوندند یا خیر.

چیزی برای خوردن داشته باشید. پیامبران اگر چیزی برای خوردن دارند، چیزی برای خوردن دارند. به معنای واقعی کلمه، نمی‌گویند که آیا چیزی برای خوردن دارند، بلکه می‌گویند کسی که با دندان‌هایش گاز می‌گیرد، که در عبری به آن نشاک می‌گویند، و این کلمه به نیش کشنده مار مربوط می‌شود.

به عبارت دیگر، اگر مبلغی را که به دنبالش هستند به آنها پرداخت نکنید، واقعاً به شما وابسته خواهند شد و شکل دیگری از نشاک، با این حال، به طرز جالبی، به قرض دادن پول با بهره مربوط می‌شود. و این کلمه‌ای است که در تثنیه، فصل ۲۳، استفاده شده است، وقتی می‌گویند، از هموطنان خود بهره نگیرید.

بگیرید. شما نباید بهره (سود) دریافت کنید. و برخی افراد این (Nashak) شما نباید از هموطنان خود نشاک را به عنوان بهره بیش از حد ترجمه می‌کنند.

خب، شما تعجب می‌کنید که بهره‌ی بیش از حد چیست. و جالب اینجاست که وقتی به نحما می‌روید مردم آنجا ۱٪ بهره می‌گیرند، و نحما آنها را به خاطر این کار محکوم می‌کند. آنها مجبور بودند یک درصد از هر صد نفر را به کسی که از او پول دریافت کرده بودند، بدهند، و نحما گفت، نه، شما نمی‌توانید این کار را انجام دهید.

شما حتی آن را حذف کردید. اینکه این موضوع چگونه با امور مالی مدرن مرتبط می‌شود را به عنوان تمرین به شنونده واگذار می‌کنم. اما ممکن است به صدقاتی که پیامبران دروغین حاضرند با آن خود را نشان دهند، یعنی برای دریافت رشوه، فریاد صلح سر دهند نیز اشاره داشته باشد.

بنابراین، تمام زبانی که اینجا برای رهبران و پیامبران استفاده می‌شود خشونت، صداقت، خشونت است. این کار در گوشه و کنار انجام نمی‌شود. این کار مستقیماً و آشکارا انجام می‌شود.

این برای همه واضح است، اما رهبران اهمیتی نمی‌دهند. هیچ اختلافی وجود ندارد. میکاه به خاطر کارهایی که انبیای دروغین انجام می‌دهند، خشمگین است.

میکاه چندین بار از عبارت «مردم من» استفاده می‌کند. او با مردم احساس همدردی می‌کند. آنچه برای مردم اتفاق می‌افتد، توهینی به شخص اوست، زیرا او مردم را دوست دارد و نمی‌خواهد شاهد سوءاستفاده از آنها باشد.

همانطور که اشاره کردم، این عبارت در میکاه زیاد استفاده شده است، و اینها قسمت‌هایی هستند که در آنها از این عبارت استفاده شده است. به طور خلاصه، میکاه فقط پیام خدا را نمی‌رساند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، او شخصاً از شرارتی که پیامبران دروغین مرتکب می‌شوند، آزرده خاطر است.

ببین، این در حرفه او بد به نظر می‌رسد. آیه شش، بنابراین، برای شما که پیامبران هستید، شب خواهد بود بدون بینایی و تاریکی برای شما، بدون فال. خورشید بر پیامبران، دوباره پیامبران دروغین، غروب خواهد کرد و روز بر آنها تاریک خواهد شد.

آخرین چیزی که یک پیامبر می‌خواهد این است که رؤیا نبیند. شب برای شما، پیامبران دروغین، بدون رؤیا جالب اینجاست که آن کلمه خاص استفاده شده است زیرا این کلمه برای رؤیا همان کلمه‌ای است که در میکاه، فصل اول، آیه اول، که کل کتاب را آغاز می‌کند، آمده است و می‌گوید، این همان چیزی است که میکاه، که دید چه چیزی برای سامره و اورشلیم مقدر شده است. این همان کلمه‌ای است که استفاده می‌شود.

اما تاریکی وجود خواهد داشت. به عبارت دیگر، پیامبران دروغین حقیقت را نخواهند دید. این نوع بینشی نیست که آنها خواهند داشت، و آموزه موازی که از خورشید به عنوان مثال استفاده می‌کند، زمانی است که خورشید غروب می‌کند، تاریکی وجود دارد و خورشید در حال غروب است.

این بر سر انبیای دروغین خواهد آمد. حالا، جالب اینجاست که این چه معنایی می‌تواند داشته باشد، خب در آیه بعدی به آن خواهیم پرداخت. پیشگویان شرمنده خواهند شد.

این فقط کلمه دیگری برای پیامبر، نبی، پیشگو و غیبگو است؛ جالب اینجاست که جادوگران بیشتر، بیشتر افرادی که این کار را انجام می‌دهند، همانطور که جادوگران تحمل می‌کنند، شرمنده خواهند شد. در واقع همه آنها دهان خود را خواهند پوشاند زیرا هیچ پاسخی از جانب خدا نمی‌آید. پیشگو، به جای پیامبر، همان

کلمه برای رؤیا است و برای پیامبرانی که پیشگو نامیده می‌شوند نیز استفاده می‌شود، اما در این مورد خاص، افراد دروغین شرمنده خواهند شد، زیرا رؤیاهایشان به حقیقت نخواهد پیوست.

نه، آنها پولشان را می‌گیرند و سپس به سراغ احمق بعدی که آنها را برای نبوت استخدام می‌کند، فرار می‌کنند. در این آیه به ما گفته شده است که هیچ پاسخی از جانب خدا وجود ندارد. آیا این به این معنی است که زمانی، شاید آنها پاسخی دریافت کردند اما مغرور شدند و اکنون نه برای انتقال پیام خدا، بلکه برای انتقال پیام‌های خودشان و سود بردن از آن، در این کار هستند؟ خیلی جالب است، هیچ پاسخی از جانب خدا وجود ندارد.

آنها دهانشان را می‌پوشانند، به معنای واقعی کلمه سبیلشان را می‌پوشانند، و به ما گفته شده که جذامیان باید سبیل خود را می‌پوشانند. خوب، احتمالاً، می‌دانید، سبیل در صدر فهرست است، بنابراین دهانتان را می‌پوشانید، و آنها باید فریاد می‌زدند، نجس، نجس. این کاری است که پیامبران قرار است انجام دهند، اما به دلیل شرم خواهد بود.

این نشانه‌ای از خجالت خواهد بود که در آیاتی که اینجا ذکر کردم، یعنی زکریا و اشعیا، می‌بینیم. سپس، در حزقیال، فصل ۲۴، نشانه‌ای از سوگواری است. بنابراین، به نظر می‌رسد که هم به خجالت و هم به سوگواری اشاره دارد.

ما نمی‌دانیم این رسم اولیه از کجا آمده است. شاید برای این بوده که هنگام عزاداری از صحبت کردن خودداری کنند. می‌دانید، من دارم عزاداری می‌کنم، لطفاً مزاحم من نشوید.

شاید کمی شبیه این باشد که امروز یک بازوبند سیاه پوشیده‌اید که فقط نشان می‌دهد شما سوگوار هستید. آخرین کاری که می‌خواهید با شخصی که بازوبند سیاه پوشیده انجام دهید این است که بروید و درباره بازی فوتبال آخر هفته گذشته صحبت کنید. از طرف دیگر، در آیه ۸، من پر از قدرت، روح خداوند، و عدالت و شجاعت هستم تا به یعقوب عمل سرکشانه‌اش را، حتی به اسرائیل گناهش را، اعلام کنم.

کاملاً برعکس برای میکاه. او می‌داند که از روح خداوند پر شده است. برخلاف انبیای دروغین، میکاه از روح خدا پر شده است، و ما به عهد جدید، دوم پطرس، فصل ۱، آیه ۲۱ مراجعه می‌کنیم، هیچ نبوتی هرگز با اراده انسانی انجام نشده است، بلکه مردانی که توسط روح القدس هدایت شده‌اند، از جانب خدا سخن گفته‌اند.

و این تفاوت بین پیامبر حقیقی و دروغین است. داشتن روح خدا به میکاه شجاعت می‌دهد. وقتی به اعمال رسولان، فصل ۴ نگاه می‌کنید، بسیار جالب است. حواریون از روح پر شده بودند و با جسارت صحبت می‌کردند.

بنابراین، با وجود تمام مخالفت‌هایی که میکاه از سوی انبیای دروغین، از سوی رهبران، و همچنین از سوی کاهنان دریافت می‌کند، او همچنان می‌تواند با جسارت صحبت کند زیرا از روح خدا پر شده است. و برخلاف انبیای دروغین، میکاه حقیقت را خواهد گفت تا به یعقوب، حتی به اسرائیل، گناهان و خطاهای آنها را آشکار کند. این یک پیام آسان نیست.

کسی نمی‌خواهد پیش قوم خودش برود و بگوید، تو گناه کرده‌ای، عهد را شکسته‌ای، خدا تو را قضاوت خواهد کرد، و بعد با تمام مخالفت‌ها روبرو شود، و بعد به هر حال به موعظه حقیقت ادامه دهد. اما این وضعیتی است که میکاه در آن قرار دارد. ما متوجه می‌شویم که یکی از ویژگی‌های پیامبران دروغین، تمایل آنها به گفتن چیزی به مردم است که آنها می‌خواهند بشنوند.

مثل این است که سیاستمداران برای مناصب سیاسی رقابت کنند. او، چه می‌خواهی بشنوی؟ او، می‌خواهی در هر قابلمه یک مرغ باشد؟ باشه، باشه، من این کار را می‌کنم. اول پادشاهان، فصل ۲۲، به این موضوع خیلی علاقه دارد.

پادشاه اخاب و پادشاه یهوشافاط در سامره با هم متحد شده‌اند، و سوال این است که آیا پادشاه اخاب، قصد حمله به راموت جلعاد را دارد یا خیر. و چند پیامبر قبل از او هستند که می‌گویند، بله، بله، بروید بروید، پیروز خواهید شد و غیره. آنها پیامبران دروغین هستند.

اما یک پیامبر هست که حقیقت را به او می‌گوید. جالب اینجاست که به نوعی، اخاب متوجه می‌شود، شاید باید پیامبر دیگری را که سابقه‌ی گفتن حقیقت را دارد، پیدا کنم تا به من بگوید واقعاً چه خبر است. بنابراین، او پیامبر دیگری، میکایا، را فرا می‌خواند.

نکته جالب در این زمینه این است که شخصی که می‌رود و میکایا را می‌آورد، به او می‌گوید: بنگرید، سخنان انبیا به اتفاق آرا به نفع پادشاه است. کلام تو مانند کلام یکی از آنها باشد و به نفع او سخن بگو. به عبارت دیگر، فقط از آنچه دیگران می‌گویند پیروی کن.

خب، میکایا این کار را نکرد. او به او گفت، ای اخاب، اگر به جنگ بروی، خواهی مرد. و دقیقاً همین اتفاق افتاد.

و این در ارمیا اتفاق می‌افتد. آنها زخم قوم مرا به آرامی التیام بخشیده‌اند، با گفتن صلح، صلح، در حالی که صلحی وجود ندارد، زیرا این چیزی بود که مردم می‌خواستند بشنوند. در دوم تیموتائوس، می‌بینیم که زمان در روزهای آخر فرا می‌رسد، که به هر حال، به نظر من، از عروج عیسی تا بازگشت دوباره او را در بر می‌گیرد.

اما پولس از طریق تیموتائوس می‌گوید، زیرا زمانی فرا خواهد رسید که مردم تعلیم صحیح را تحمل نخواهند کرد، بلکه چون گوش‌هایشان خارش دارد، برای خود معلم جمع می‌کنند تا با هوس‌هایشان سازگار باشد. باز هم، شبیه سیاستمداران به نظر می‌رسد. خب، بیایید به آخرین بخش ساختار کیاستیک خود برویم، به محکوم کردن رهبران برگردیم.

بنابراین، ما رهبران و پیامبران را داشتیم، و اکنون به رهبران برمی‌گردیم. آیه ۹: حال بشنوید، ای سران خاندان یعقوب و ای حاکمان خاندان اسرائیل، که از عدالت بیزارید و هر چیز راست را منحرف می‌کنید. خب، این بسیار شبیه چیزی است که قبلاً دیده‌ایم.

رهبران، راه راست را کج می‌کنند و کاملاً برخلاف آنچه باید انجام دهند، عمل می‌کنند. و من به اشعیا، فصل ۵۰ اشاره می‌کنم. وای بر شما که بدی را نیکی و خوبی را بدی می‌نامید، که تلخی را به جای شیرینی و، شیرینی را به جای تلخی می‌گذارید، که تاریکی را به جای نور و نور را به جای تاریکی قرار می‌دهید.

کل ماجرا همین است. مشیاط و غزال وارونه شده‌اند. عدالت وارونه شده است.

هیچ کدام وجود ندارد. رهبران از عدالت بیزارند. او، آنها رفتند، نه، ما رهبر هستیم، ما از عدالت بیزار نیستیم.

و با این حال، در واقعیت، البته با اعمالشان، این کار را می‌کنند. آنها به این موضوع اعتراف نمی‌کنند، اما از «نحوه‌ی عملشان این موضوع عملاً حقیقت دارد. کلمه‌ی تحقیر که در عبری به کار می‌رود، یعنی «تعب» به معنای بیزار کردن، متنفر بودن، بیزار بودن و نفرت داشتن نیز هست.

بنابراین، رهبران، عدالت را دوست ندارند. از آن متنفرند. از آن متنفرند، بیزارند. از آن متنفرند. و اساساً آنچه آنها در مورد مردم فکر می‌کنند عادلانه است، آنها فقط مهره‌هایی برای ارضای ما و ثروتمند شدن ما هستند. و همین نوع اتفاق را در ایوب می‌بینید، جایی که ایوب می‌گوید، من از دوستان و خانواده‌ام متنفرم. آیه ۱۹:۱ نیز می‌گوید، من متنفرم، یعنی از دروغ متنفرم. و عاموس شبیه میکاه است.

آیه ۱۰، این رهبران، رهبران دروغینی که مانند گرگ‌های درنده از مردم سوءاستفاده می‌کنند، صهیون را با خونریزی و اورشلیم را با بی‌عدالتی خشونت‌آمیز می‌سازند.

به این ترتیب است که آنها املاک خود را گسترش می‌دهند، می‌توانیم بگوییم، با خشونت. و اجازه دهید فقط یک نکته فرعی در مورد نوسازی شهری که در حال حاضر در اورشلیم در حال انجام است، بگویم. خوب این در زمان حزقیا است.

حزقیا پادشاه خوبی بود، اما ظاهراً او کمی هم به بارون‌های زمین‌دار کمک می‌کرد تا قلمرو خود را گسترش دهند و همچنین از چیزی که می‌توانیم آن را حق تصرف زمین بنامیم برای تصاحب خانه‌های مردم استفاده می‌کرد. حالا منظوم را نشان می‌دهم. این از اشعیا فصل ۲۲، آیات ۹ تا ۱۱ آمده است.

شما، منظورتان مردم است، شاید خود اشعیا، دیدید که شهر داوود در استحکاماتش رخنه‌های زیادی داشت. خوب، این شهر در اثر حمله‌ای قبلی به این شکل درآمد بود. شما آب را در استخر پایینی ذخیره کردید.

تو ساختمان‌های اورشلیم را شمردی و خانه‌ها را برای تقویت دیوار ویران کردی. در مورد ذخیره آب در برکه پایینی، این کانالی است که حزقیا ساخته بود تا آب را از چشمه بالایی به قسمت پایینی شهر بیاورد. تو بین دو دیوار مخزنی برای آب برکه قدیمی ساختی.

ضمناً، امروزه می‌توان از آن بازدید کرد، زمانی که بعداً به حوض سیلوحا تبدیل می‌شود که در فصل ۹ انجیل یوحنا درباره آن می‌خوانیم. اما شما به کسی که آن را ساخته نگاه نکردید یا به کسی که مدت‌ها پیش آن را برنامه‌ریزی کرده بود توجه نکردید. آیا ایجاد استحکامات اشتباه است؟ خیر، اما مگر اینکه خداوند از شهری محافظت کند، نگهبان بیهوده نگهبانی می‌دهد.

و مگر اینکه خداوند خانه‌ای بسازد، سازندگان بیهوده می‌سازند. این چیزی است که او به آن می‌رسد. اما نکته جالب اینجاست.

پس از جنگ ۱۹۶۷، زمانی که اسرائیل توانست اورشلیم را بازپس بگیرد، ساختمانی که شروع به ساخت آن کرد، قبل از هر چیز، مجبور شد آوار را از بین ببرد تا بتواند شهر قدیمی اورشلیم، بخشی که به عنوان محله یهودیان شناخته می‌شود را بازسازی کند. در اینجا، تصویری از آن قبل از ساخت ساختمان‌های مدرنی که در این نقطه بازدید می‌شوند، داریم. و این بقایای یک دیوار است.

این پایه یک دیوار بزرگ است. و من به شما نشان خواهم داد که چقدر بزرگ بود، زیرا اینجا یک شخص را می‌بینید. بنابراین، این یک دیوار بسیار بزرگ است.

در واقع، کسی که آن را کشف کرد، در آن زمان خاص آن را دیوار پهن می‌نامید. نکته جالب این است که در دو طرف این دیوار، می‌توانید بقایای خانه‌ها را ببینید - خانه‌هایی که برای ساخت این دیوار، احتمالاً توسط مالکان املاک تخریب شده‌اند.

ما نمی‌دانیم چه اتفاقی برای صاحبان این خانه‌ها افتاده است، اما ظاهراً خداوند به مردمی که دیوار را ساختند می‌گوید، نه، شما نباید این کار را می‌کردید. شما باید به من تکیه می‌کردید و اموال مردمی را که خانه‌هایشان را خراب کردید، نمی‌گرفتید تا بتوانید این دیوار خاص را بسازید. خب، این پایه و اساس است

الان چه شکلیه؟ بفرمایید. اینم دیوار. و اینا هم ساختمان‌هایی هستن که دورش هستن

جالب اینجاست که اینجا بقایای برخی از خانه‌هایی است که در اسلاید قبلی نشان دادم. و شما تعجب می‌کنید که دیوار چقدر بلند بوده است؟ و ارتفاع اصلی آن، هشت متر، حدود ۲۴ فوت، است. حالا، از کجا می‌دانیم که اینقدر بلند بوده است؟ خب، به خاطر تمام آوارهایی که بخشی از دیوار بودند و هنگام پاکسازی محل برای ساخت ساختمان‌ها پیدا کردند.

و با نگاه کردن به مقدار آوار، آنها توانستند ارتفاع دیوار را تخمین بزنند. بنابراین، این فقط یک دیوار پهن نبود، و این یک دیوار بلند بود. و با این حال، ظاهراً، بر پایه بی‌عدالتی ساخته شده بود.

در آیه ۱۱، ادامه می‌دهیم و می‌خوانیم که رهبران او حکم داوری برای رشوه را صادر کردند. یک لحظه صبر کنید، من فکر می‌کردم فقط انبیاء این کار را می‌کنند. نه، رهبران این کار را می‌کنند.

میشپات می‌دهم، چیزی که ما در خاورمیانه به آن بخشش می‌گوییم. کاهنان او در ازای دریافت پول، آموزش می‌دهند. قرار بود کاهنان تورات را به مردم آموزش دهند، اما حالا این کار را در ازای دریافت پول انجام می‌دهند.

همه دارند وارد عمل می‌شوند. انبیایش برای پول فال می‌گیرند. با این حال به خداوند توکل می‌کنند و می‌گویند: آیا خداوند در میان ما نیست؟ «بلا بر ما نازل نخواهد شد»

هاه، می‌فهمی اینجا چه خبره. اوه، معبد خداوند، معبد خداوند، معبد خداوند. خدا قرار نیست ما را نابود کند چون معبدش اینجاست.

او قرار نیست معبدش را خراب کند. اساساً، هر کسی بر اساس میزان رشوه، کار خودش را انجام می‌دهد. ضرب‌المثل‌ها هم همین را به ما می‌گویند.

مرد شروری از سینه رشوه می‌گیرد تا راه‌های شرارت را منحرف کند. به تثلیث نامقدس فساد در اینجا توجه کنید. پیامبران ادعای پیامی از جانب خداوند می‌کنند در حالی که چنین نیست.

کاهنان آن را آموزش می‌دهند. رهبران از وحی در نقل قول‌ها برای گرفتن اموال از مردم استفاده می‌کنند. سلام، ما نعمت خداوند را داریم.

خداوند به انبیا فرمود که این اراده خداوند است و آنها از آن برای استثمار مردم استفاده می‌کنند. به عبارت‌بندی توجه کنید، سه کلمه مختلف برای گرفتن پول در اینجا استفاده شده است. رهبران برای عدالت رشوه می‌گیرند.

کاهنان برای پول تعلیم می‌دهند. پیامبران برای پول، چه پول چه نقره، الهی هستند. بنابراین، شما یک رشوه، یک پول و یک پاداش دارید.

به عبارت دیگر، همه چیز برای پولِ قادر متعال انجام می‌شود. با این حال همه آنها احساس امنیت می‌کنند. این خداوند نیست که در میان ماست.

ما در امان هستیم. رهبران احساس امنیت می‌کنند زیرا فکر می‌کنند خداوند در معبد با آنها ساکن است، اما معبد بدون حضور خداوند صرفاً بنایی بر روی تپه است. به اشاره عیسی به ارمیا ۷ توجه کنید. او نیز به همین موضوع می‌پردازد.

در زمان ارمیا، مردم می‌گفتند، معبد خداوند، معبد خداوند، معبد خداوند، بابلی‌ها هرگز به اینجا نخواهند آمد زیرا خداوند نمی‌گذارد معبدش ویران شود. جالب اینجاست که ارمیا می‌گوید، نه، شما آن را به لانه دزدان تبدیل کرده‌اید و ویران خواهد شد. و فقط نگاهی به آنچه در شیلوه اتفاق افتاد بیندازید، جایی که خیمه من ویران شد. قرار بود حضور من آنجا باشد، اما شما خیلی شرور بودید. من صورتم را پوشاندم و شیلوه ویران شد.

جالب اینجاست که عیسی این متن را برای مردم زمان خود نقل می‌کند، و مردم به ارمیا ۷ فکر می‌کنند و شاید با خود فکر می‌کنند، هوم، آیا این بدان معناست که این معبد قرار است نابود شود؟ خب، همینطور هم شد. حدود ۴۰ سال پس از عیسی بود. خب، به نکته‌ی فرعی در مورد کاهنان توجه کنید.

اتفاقاً، اینجا تنها جایی است که میکاه از آنها نام می‌برد. و مردم سخت‌ترین پرونده‌ها را نزد کاهن می‌آوردند تا بتوانند اراده خدا را برای خودشان به دست آورند. اما حالا که دارند این کار را می‌کنند، حتی کاهنان هم فاسد شده‌اند.

خب، بیایید به آخرین آیه‌مان برسیم. بنابراین، به خاطر شما، ای انبیا، رهبران و کاهنان، به خاطر شما صهیون مثل مزرعه شخم زده خواهد شد. اورشلیم به تلی از ویرانه تبدیل خواهد شد.

و شما مقداری از آن را دیدید، درست است؟ از اسلاید قبلی‌ام که نشان دادم. و کوه معبد به مکانی مرتفع، در یک جنگل تبدیل خواهد شد، بالاخره عدالت. زیرا شما، جمع، به دلیل تثلیث نامقدس، سیاسی، نبوی روحانی، صهیون، که معادل اورشلیم است، تحت مجازات بسیار سختی قرار خواهید گرفت زیرا این مرکز هر سه فعالیت، حکومت، نبوت و فداکاری است.

همه اینها در اورشلیم بود. همه اینها مرکز ملت یهودا و نهادهای آنها بودند. و رهبران، اورشلیم را با بی‌عدالتی و اعمال خشونت‌آمیز بنا کرده بودند، همانطور که در آیه ۱۰ دیدیم، و بنابراین آنها مسئول ویران کردن آن هستند.

به تلی از ویرانه تبدیل خواهد شد. شما آن را بر پایه بی‌عدالتی بنا کردید، اکنون من آن را ویران خواهم کرد، اما بی‌عدالتی خواهد بود. این پیشگویی که مانند مزرعه‌ای شخم زده شده بود، در واقع در زمان ارمیا تحقق یافت، که در باب ۲۶ ارمیا درباره آن می‌خوانیم.

، bama و کوه خداوند به مکان‌های بلندی برای جنگل تبدیل خواهد شد. کلمه‌ای که استفاده می‌شود جمع، مکان‌های بلند برای جنگل است. خب، یک دقیقه صبر کنید، معبد آنجا بود، حالا داریم ، bamot در مورد درختانی که آنجا کاشته شده‌اند صحبت می‌کنیم؟ این چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ در اینجا چند پیشنهاد ارائه شده است.

همانطور که گفتم، باموت کلمه‌ای برای یک مکان مذهبی است، اما این مکان قرار است در کوه صهیون باشد. آیا باموت برای طبیعت خواهد بود، که خدای حقیقی را پرستش خواهد کرد؟ به عبارت دیگر طبیعت هیچ مشکلی در تشخیص خالق خود ندارد. در مزامیر می‌خوانیم که درختان در ستایش خداوند دست می‌زنند.

بنابراین، آیا ما در آنجا جنگل می‌کاریم و آن را به طبیعت بازمی‌گردانیم تا پرستش حقیقی خداوند را به نمایش بگذاریم؟ اشعیا همچنين می‌گوید، ای کوه‌ها، ای جنگل، و ای هر درختی که در آن است، فریاد شادی سر دهید. آیا این تصویر این است که سرانجام به چیزی تبدیل می‌شود که خداوند را به راستی پرستش خواهد کرد؟ یا جنگل نمایانگر مکانی از حیوانات وحشی، ویرانی و مرگ است، بدون هیچ ستایشی؟ ما این را به عنوان یک تمرین به شنونده واگذار می‌کنیم. خوب، درس‌ها چیست؟ در اینجا، تفسیر لسلی آلن، صفحه ۳۲۱ را که به جا است، خلاصه می‌کنم.

سخنان میکاه در زمان ارمیا به یادگار ماند، و آن حدود ۱۵۰ سال بعد بود. آنها امروز نیز باید به یاد آورده شوند، زیرا هر نسلی از قوم خدا باید کلام میکاه را به دل بسپارد. به عبارت دیگر، قوم خدا نباید شما را از دست بدهند؛ خدمت به خدا پوششی برای جلال و سود خود است. و من از شما یک سؤال می‌پرسم: آیا می‌توانید مثالی بزنید که نه تنها در بخش مدنی جامعه، بلکه در بخش مذهبی جامعه نیز صادق باشد، جایی که مردم بیشتر به پر کردن جیب‌های خود علاقه دارند تا انجام کاری که در نهاد برای انجام آن قرار گرفته‌اند، کاری که به آنها رأی داده شده یا منصوب شده‌اند، در هر صورت.

و سخنان میکاه به ما هشدار می‌دهد که بدون عمل کردن، حرف نزنیم، به عبارت دیگر، عقیده و عمل باید با هم سازگار باشند. و این به هیچ وجه در زمان میکاه اتفاق نیفتاده بود.

و افکار دیگر را به شما واگذار می‌کنم. با این کار، زبان‌های زیادی یاد خواهم گرفت. متشکرم.

سلامت باشید.

این دکتر الین و پری فیلیپس و آموزه‌های آنها در مورد کتاب میکاه، پیامبری خارج از کمربندی جاده است. این جلسه ۴، میکاه ۳ است.